مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌وهفتم/ سال سیزدهم/ بهار ۱۴۰۳
صفحات ۲۰-۵

ادراک تنانه از بازار ایرانی: تبیین مؤلفه‌های معماری بر اساس نظریات مرلوپونتی*

سمیه پهلوان**، حسین سلطان‌زاده***، فرح حبیب****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

چکیده

یکی از شاخصه‌های پدیدارشناسی مرلوپونتی، توجه به جایگاه بدن و نقش تن در جریان ادراک حسی جهان است. یک تصویر عکاسی شده، شاهدی غیرقابل‌اعتماد از کیفیت واقعی فضای معماری است، بنابراین بررسی نقش تن، فهم جایگاه انسان و تجربه وی از فضای معماری، گستره دید متفاوتی از درک فضا در اختیار او قرار می‌دهد. در معماری سنتی به‌ویژه بازارهای تاریخی، توجه عمیق به حضور انسان و ادراک وی در راسته‌های اصلی بازار و فضاهای پیرامونی شده است که با درگیرشدن حواس پنج‌گانه، درک متفاوتی از فضا نسبت به تصویر تهیه شده از آن فضا دارد. سؤال اصلی پژوهش در این است: مؤلفه‌های تأثیرگذار در ادراک تنانه با تاسی از نظریات مرلوپونتی در بازار ایرانی چیست؟ هدف از این پژوهش بررسی جایگاه انسان و نوع متفاوت ادراک در حضور انسان با تأکید بر نظریه "ادراک تنانه مرلوپونتی" است. این تحقیق در قالب پژوهش‌های کیفی است و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات با ثبت مشاهدات و مصاحبه صورت پذیرفته است. در نتایج این پژوهش که با تأکید بر نظریه مرلوپونتی مبنی بر ادراک تنانه انجام‌گرفته است، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حضور انسان و دید متفاوت وی مانند عمق، فاصله، حرکت در فضای معماری، پرسپکتیو دید، اتمسفر فضا، تغییر دید ناظر و پارالاکس حاصل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این مؤلفه‌ها در فضای بازار تاریخی به‌خوبی جلوه می‌کنند، توجه معماران گذشته به نقش انسان در فضا و درگیری ادراک وی با ایجاد حس حرکت، افق دید و عمق حرکتی، ریتم و تکرار در جداره‌ها و نوردهی، عمیقاً احساس می‌شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در درک فضای معماری و تجربه زیسته انسان در بازار ایرانی دارند.

واژگان کلیدی

ادراک تنانه، جایگاه پیکره انسان، پدیدارشناسی مرلوپونتی، بازار ایرانی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین مولفه های موثر در فرآیند ادراک تنانه انسان از کیفیت کالبدی فضا در بازار ایرانی مورد پژوهی(سراهای بازار اصفهان)» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.

** دکتری مهندسی معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. s.pahlavan@srbiau.ac.ir
*** استاد، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir
**** استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. frh_habib@yahoo.com

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

مقدمه

معماری عصر ما، فاقد انعطاف است. مادامی که بناها انعطاف و ارتباطشان با بدن و حضور تن از دست رود، در یک حوزه سرد، بی‌روح و دور از دسترس بینایی، منزوی می‌گردد. با فقدان لمس‌پذیری و درک مقیاس و جزئیات مبتنی بر مهارت تنانه و مهارت دست انسان، ساختار معماری به نحوی زننده، صاف، لب تیز، غیرمادی و غیری واقعی می‌گردد. جداشدن ساخت‌وسازها از واقعیت ماده و مهارت دست، معماری را به یک صحنه‌آرایی که خوش‌آیند چشم است، مبدل ساخته که تهی از هر گونه اصالت ماده و منطق است (هال و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶). پیشرفت تکنولوژی با بی‌توجهی به نگرش‌های اقلیمی و فرهنگی که در بستر کار موجود می‌باشد، باعث ساخت بناهایی مشابه با کاربری یکسان در نقاط مختلفی شده است، به‌طوری‌که اکثر محیط‌های انسان‌ساخت که امروزه انسان در آن به گذران عمر مشغول است، با غفلت از وجود خود، تبدیل به کالبدی بدون روح شده که تا حدودی برای رفع نیاز عملکردی انسان است و هیچ ارتباط و انس و الفتی باروح و درون ما ندارد. انسان امروزی جهت دریافت فقط تماشا می‌کند. به عبارتی میان حس‌های پنج‌گانه او، تنها حس بینایی در فرایند ادراک درگیر است. معماری و فضای ساخته شده معاصر در این امر دخیل بوده و این به علت تمرکز آنها بر روی تصویر به‌جای مشخصه‌های حسی و کاربردی فضا است، در واقع امروزه لذت تجربه ادراک تنانه در فضا مانند راه‌رفتن، لمس، بوکردن و شنیدن ازیادرفته است(kim, 2013: 2) .

مارتین هایدگر[۱] و موریس مرلوپونتی[۲] دو شخصیت مهمی هستند که وسیع‌ترین گفتمان پدیدارشناسانه را در حیطهٔ معماری بنا نهاده‌اند. در شرایطی که نظریات هایدگر دربارهٔ سکنی‌گزیدن، مکان، فضا و در جهان بودن، نشان‌دهندهٔ اهمیت هستی‌شناسانهٔ معماری بود، دیدگاه مرلوپونتی در باب ادراک، بدن و بعد حسی تجربهٔ بشری، نظرگاهی مهم دربارهٔ مسائل معمارانهٔ کاربردی ایجاد کرد Seamon et al, (2012:12). ازاین‌رو، یکی از شاخصه‌های پدیدارشناسی مرلوپونتی در مورد سوژه، توجه به جایگاه بدن، در جریان ادراک حسی جهان است. نقطه کلیدی پدیدارشناسی مرلوپونتی، درک مسئله بدن در قالب سوژه تنانه است. در فلسفه مرلوپونتی، هرکدام از ما انسان‌ها پیش از آنکه یک «آگاهی» باشیم، بدنی هستیم که جهان را دریافت می‌کند و به جهان شکل می‌دهد (لفور، ۱۳۹۴: ۸۴) و در واقع، این سوژه تن است که به معانی و تصاویری که از جهان دریافت می‌کند، شکل می‌بخشد. مرلوپونتی در پدیدارشناسی خود به تنانگی انسان اشاره می‌کند و بر این عقیده است که انسان با جسم خویشتن با جهان روبه‌رو شده و به جهان نزدیک می‌شود؛ او می‌گوید: «من در موقعیت خودم ادراک می‌کنم» (Merleau-Ponty, 1968:58).

بازار ایرانی به‌مثابه ستون فقرات شهری مجموعه‌ای از کاربری‌های هم خوان را کنار هم جمع کرده است و مردم با حضور در این فضا به تعاملات روزمره و رفع نیازهای خود می‌پردازند. حضور در این فضا، تجربه‌ای متفاوت با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراک درونی در مخاطب دارد. صحنه و دیدی که انسان با حضور در فضا کسب می‌کند، با تصویر تهیه شده از آن فضا بسیار متفاوت است. در واقع توجه به انتظام حواس در محیط با خلق فضاهای متناسب در جهت رفع نیاز انسان درگذشته می‌تواند زمینه‌ساز تفکر و تعمق در محیط گردد. پژوهش حاضر با تشریح ادراک تنانه به دنبال عرضه فلسفه مرلوپونتی در هنر و بیان آن در معماری است که رابطه آن را با درون‌مایه‌های فلسفی او مانند حضور در فضا، حرکت، تأثیر پرسپکتیو دید، پارالاکس (دید صفحات متوالی)، عمق و فاصله (افق‌مندی)، تأثیر رنگ و نور هنگام حضور و حس و حال فضایی (اتمسفر) در بازار ایرانی آشکار سازد. در واقع در این پژوهش با بررسی نظریه مرلوپونتی و نظریات مطرح شده در مورد ادراک تنانه در فضای معماری، مؤلفه‌های مؤثر بر درک متفاوت انسان و تأثیر حضور وی در فضای معماری مورد بررسی قرار می‌گیرد و به دنبال پاسخ‌دادن به این سؤال است: مؤلفه‌های تأثیرگذار در ادراک تنانه با تاسی از نظریات مرلوپونتی در بازار ایرانی چگونه‌اند؟

مرلوپونتی خود در زمینه هنر، واژه تنانه را مطرح کرده است و افرادی از جمله «یوهانی پالاسما[۳]»، «آلبرتو پرز گومز[۴]»، «گرنوت بومه[۵]»، «کریستین بورچ [۶]»، «استیون هال[۷]»، «کنت بلومر[۸] »و «چارلزمور[۹]» به بسط و گسترش نظریات وی در معماری پرداختند. در زمینه ادراک تنانه، استیون هال با کتاب پارالاکس[۱۰] این‌گونه بیان می‌کند که حرکت بدن درون فضا مهم‌ترین نکته‌ای است که معماران باید به آن توجه کنند، این که هر گوشه از فضا حین حرکت چگونه تجربه می‌شود (Merleau-ponty et al, 1962: 56 & Blackwood, 2015)

به دنبال آن اتمسفر توسط اشخاصی همچون پیتر اسلوتردیک[۱۱](فیلسوف آلمانی)، مارک ویگلی[۱۲](نظریه‌پرداز معماری)، یوهانی پالاسما(معمار و نظریه‌پرداز معماری) و آثار پیتر زومتور[۱۳] که محصول نهایی این گفتمان‌هاست. عقیده آنها بر این بود که شکل فضای معماری صرفاً به آنچه انسان می‌بیند محدود نمی‌شود، بلکه آن چیزی است که توسط بدن تجربه می‌شود. کنت بلومر و چارلز مور در کتاب" بدن، حافظ و معماری" نخستین پژوهش‌ها را در مورد بررسی نقش تن و ادراک حسی در تجربه معماری انجام داده‌اند. مطالعات بسیاری در مورد فلسفه مرلوپونتی صورت پذیرفته که به مهم‌ترین آثار نظری آن در جدول یک اشاره شده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

جدول ۱: مهمترین آثار نظری در مورد مرلوپونتی

	کتاب/ مقاله	مفاهیم کلیدی
۱	پدیدارشناسی ادراک (۱۹۴۵)	مراد مرلوپونتی از پدیدارشناسی و ارتباط مستقیم و پیشاتأملیِ انسان با جهان پیرامون در ادراک
۲	پدیدارشناسی ادراک حسی (۱۹۶۲)	ریشه زندگی آگاهانهٔ در یک جنبه پیش آگاهانه و پیش تأملی یا همان سوژهٔ تن دار
۳	پدیدارشناسی نزد مرلوپونتی (۱۳۸۹)	پدیدارشناسی از مقطع آگاهی محض به جهان زندگی عینی و ضمنی بر اساس مباحث ادراک حسی
۴	جهان ادراک (۱۳۹۱)	ادراک و بدن، اعیان حسی، بدنمندی
۵	کتاب ماتیوس (۱۳۸۹) و کارمن (۱۳۹۰)، مرلوپونتی	دیدگاه مرلوپونتی در مورد هنر
۶	مرلوپونتی برای معماران/جاناتان هیل	تفکر معمارانه در آثار مرلوپونتی و رابطه آن با درون‌مایه فلسفی
۷	تجربه هنرمندانه در پدیدارشناسی مرلوپونتی/ نادر شایگان فر	شناخت موریس مرلوپونتی، بررسی تفکر هنر مدرن به‌عنوان وجه تصویری و هنری تفکر پدیدارشناسی
۸	مرلوپونتی و تحلیل آثار نقاشی/اسماً سبزه کار	شناخت موریس مرلوپونتی به‌منظور تجزیه‌وتحلیل آثار هنری
۹	مرلوپونتی بنیاد اندیشه‌های او	شناخت محور اندیشه‌های مرلوپونتی
۱۰	پدیدارشناسی مکان/ پروین پرتوی	پدیده‌شناسی، پدیده مکان، حس مکان

و مطالعات بسیاری از سوی پژوهشگران در باب نقش بدن و ادراک حسی در اندیشه‌های مرلوپونتی و سایر نظریه‌پردازان در قالب طرح‌های پژوهشی و یا مقالات مستخرج از رساله‌های در رشته معماری، هنر و فلسفه صورت پذیرفته است (جدول ۲).

جدول ۲: دسته بندی پیشینه پژوهش

	عنوان	کلمات کلیدی	نویسندگان	سال انتشار
۱	اتمسفر فضا در پدیده‌شناسی به‌مثابه فضای بدون سطح	فضای با سطح، فضای بی سطح، پدیده‌شناسی	امینی، سلطان‌زاده	۱۳۹۶
۲	شناخت مؤلفه پارالاکس و ریشه‌یابی آن در فلسفه طراحی استیون هال	پارالاکس، مرلوپونتی، استیون هال، ادراک، تن	ابراهیمی اصل و دیگران	۱۳۹۶
۳	بدن و حواس در رسانه‌های نوین هنری، نگاهی از منظر پدیدارشناسی مرلوپونتی	رسانه‌های نوین هنری، هنر پسارسانه، ادراک بدن، موریس مرلوپونتی	مهرانگیز بصیری	۱۳۹۳
۴	مطالعه پدیده بازار سنتی سنندج از منظر پدیدارشناسی	هرمنوتیک فلسفی، معماری، پدیدارشناسی، بازار سنتی سنندج	فارسی محمدی‌پور، طالبی	۱۳۹۴
۵	تبیین نقش ادراک حسی در میزان خاطره‌انگیزی میدان‌های شهری با بهره‌گیری از اندیشه‌های مرلوپونتی	ادراک چند حسی، تجربه بدنمند، خاطره‌انگیزی، پدیدارشناسی مرلوپونتی	نصرت پور و همکاران	۱۳۹۹
۶	بدنمندی در پدیدار شناسی هوسرل، مرلوپونتی و لویناس	بدنمندی، پدیدارشناسی، هوسرل، مرلوپونتی، لویناس	خبازی کناری و سبطی	۱۳۹۵
۷	تأثیر فضای معماری مدرن در وسعت بخشیدن به دامنه آگاهی ناظر و ریشه‌یابی آن در نظریه تن – آگاه مرلوپونتی	تن آگاه، مرلوپونتی، معماری، مدرن، ادراک	حقیر و همکاران	۱۳۹۹
۸	فضامندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربه معماری، نمونه موردی: موزه هنرهای تهران	ادراک، بدنمندی، تجربه، حواس، فضا	صیاد و همکاران	۱۳۹۸
۹	ارتباط سوژه‌های بدنمند در فضای مجازی، در چهارچوب پدیدارشناسی مرلوپونتی	پدیدارشناسی، فضای مجازی، ادراک حسی، مطالعات میان‌رشته‌ای، سوژه بدنمند، ارتباط	نظر نژاد	۱۴۰۰

در این میان پژوهش‌های اندکی به بررسی نقطه‌نظرات مرلوپونتی و پیروان وی در تفکر طراحی معماری و تمرکز در حضور، ادراک تنانه، جایگاه تن، دقت نظر دربارهٔ بدن و ارزیابی نگاه وی در فضای معماری و شناخت فلسفه حس حضور و نقش آن در معماری سنتی و بازارهای تاریخی وجود دارد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

ادراک تنانه مرلوپونتی: سوژه بدنمند (تن) در پدیدارشناسی مرلوپونتی، کسی است که با حضور خود، جهان را درک کرده و تجربه کسب می‌کند. سوژه در تجربه ادراک حسی مرلوپونتی، بدن(تن) است(Marshall ,2008 ,94). ازاین‌رو، یکی از شاخصه‌های پدیدارشناسی مرلوپونتی در مورد سوژه، توجه به جایگاه بدن، در جریان ادراک حسی جهان است. نقطه کلیدی پدیدارشناسی مرلوپونتی، درک مسئله بدن در قالب سوژه تنانه است. در فلسفه مرلوپونتی، هر کدام از ما انسان‌ها پیش از آنکه یک «آگاهی» باشیم، بدنی هستیم که جهان را دریافت می‌کند و به جهان شکل می‌دهد (لفور، ۱۳۹۴: ۸۴). مرلوپونتی در پدیدارشناسی خود به تنانگی بودن انسان اشاره می‌کند و بر این عقیده است که انسان با جسم خویشتن با جهان روبه‌رو شده و به جهان نزدیک می‌شود؛ او می‌گوید: «من در موقعیت خودم ادراک می‌کنم» (Merleau-Ponty,1968: 58). او باتوجه‌به کیفیات اعیان و عواملی که آنها را به‌واسطهٔ ذهن به مرحلهٔ تجربه می‌رساندند؛ راهگشای چگونگی شناخت سوژه از مفهوم فضا و متعاقب آن ادراک ابژه می‌داند. او فهم ادراک حسی را مستلزم دقت نظر دربارهٔ بدن و ارزیابی نگاه تشریح می‌کند (رامین و همکاران، ۱۳۹۷). پدیدارشناسی معماری پالاسما نیز درست همانند فلسفه پدیدارشناسی مرلوپونتی بر"ادراک چند حسی بدن"مبتنی بر مرکزیت بدن در ادراک فضاها تأکید می‌کند (پالاسما و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹). مرلوپونتی(۱۹۶۸)، بیان می‌دارد: «من تنها از طریق در جهان بودن می‌توانم نظرگاهی به روی جهان داشته باشم، تنها ازآن‌رو می‌توانم محیط را ادراک کنم که قادرم در آن سکنی بگزینم و تلقی ادراک به‌صورت در جهان بودنی است که صبغهٔ بدنی دارد. مخالفت اساسی با تمایزگذاری‌های سنتی میان سوژه و ابژه، درون و برون، ذهن و جسم و ذهن و جهان دارد؛ چرا که بدن ما هم‌زمان که می‌بیند، دیدار پذیر نیز هست» (کارمن، ۱۳۹۴: ۱۵–۱۸). دیدگاه وی در جهت توضیح رابطه یکپارچه بدن زنده با مکان‌مندی انسان بسیار مشخص است (Hünefeldt & Schlitte, 2018: 60-6).

نقش پرسپکتیو در ادراک و تجربه فضای معماری: در آغاز قرن ۱۴ در فلورانس، تصور فضایی نو با کشف پرسپکتیو به زبانی هنرمندانه تجربه شد. طراحان در دوره رنسانس ادراک بصری خود را به یک تصویر قابل‌درک ترجمه کردند و رخداد سه‌بعدی را به تصویر و تجسم درآوردند (گیدئون، ۱۳۹۰: ۳۶۸). توجه به اختراع پرسپکتیو، نقش انسان در این دوره را روشن کرد. ادراک و تجربه فضایی که باهم تداخل پیدا می‌کنند، تنها زمانی عملی است که کسی در آن حرکت کند (گروتر، ۱۳۸۳: ۳۹۵). ادراک از پرسپکتیو فضا، به انسان اجازه می‌دهد تا به‌عنوان نمونه، ادراک خود از سمت‌وسو را برگزیند، چرا که در این پرسپکتیو مرلوپونتی در تلاش است تا از ادراک‌های متفاوت در باب فضا به سمت در متن جهان بودن حرکت کند. میدان ادراکی ما همواره جهت خود، نسبت به یک سطح فضایی خاص را اتخاذ می‌کند. ازاین‌رو، فرم فیزیکی بدن انسان به‌سرعت جهان ما را بر حسب اینجا–آنجا، نزدیک–دور، بالا–پایین، روبه‌رو و راست– چپ تنظیم می‌کند. به همان نسبت، هوش پیشاشناختی بدن از طریق کنشی متجلی می‌شود که به فرد در یک‌لایهٔ پیش انعکاسی از ژست‌ها، حرکات و حالات جسمانی روزمره خاصیتی تنانه می‌بخشد؛ آنچه مرلوپونتی نام بدن (سوژه) بر آن می‌گذارد (Seamon et al ,2012: 162). شاهد درگیری وجودی در تجربهٔ فضایی که ویژگی‌هایی نظیر بالا و پایین، عمق و حرکت نسبی و کل فضای زیستن است، به نحوه وجود ما یعنی بدن در فضا مربوط می‌شوند (اسپیگلبرگ، ۱۳۹۳: ۸۲۶). پرسپکتیو در واقع عمق فضایی را در پی دارد. عمق فضا یکی از شاخصه‌های مهم ادراک که عبارت‌اند از جلوه پرسپکتیوی همراه با درجه‌بندی بافت و از سوی دیگر پدیده‌ای که به انسان می‌گوید، چیزی که بخشی از چیز دیگر را پنهان می‌کند باید در جلوی آن قرار بگیرد. در این میان با فرم‌های سیال راسته اصلی بازار و تویزه‌های برون زده از سقف میزان عمق و هم‌پیوندی بر دید پرسپکتیوی تأثیرگذار است و انسان را به حرکت در فضای بازار دعوت می‌کند. در واقع پرسپکتیو زیسته چیزی است که در درون فضا تجربه می‌شود و کیفیت عکاسانه ندارد.

ادراک فضایی به واسطهٔ تجربهٔ عمق و فاصله: در حقیقت، آنچه عمق نامیده می‌شود، به معنی هم‌جواری نقاط است که شبیه مفهوم وسعت نظر و پهنا است. در نگاه مرلوپونتی آنچه عمق را نامرئی می‌سازد، صراحتاً چیزی است که آن را برای ناظری که وسعت نظر دارد، مرئی می‌کند. مجاورت نقاط متقارن در یک‌جهت که از خصوصیات نگاه خیرهٔ ناظر است، عمق را برای او مرئی می‌سازد(Merleau-ponty et al, 1962: 297). در منظر مرلوپونتی انگاره‌های رایج در باب ادراک، همگی مرئی بودن عمق را تکذیب می‌کنند. برای او عمق یک بعد نیست، بلکه خاستگاه بودن ما در جهان است. رسانه‌ای که ادراک‌کننده و موضوع ادراک در آن شناورند. بنا بر دیدگاه ادوارد کیسی(2001) این مکان است که عمق را تصدیق می‌کند. هستی‌شناسی عمق برای او هستی‌شناسی مکان و به بیان دقیق‌تر هستی‌شناسی تن‌یافتگی است. اندازه و عمق قابل‌رؤیت، مفاد تبادل‌پذیر راهنماهای بصری‌اند؛ بنابراین، رویکرد مرلوپونتی پاسخگوی چگونگی استفاده از چشم برای ادراک عمق ابژه است و شیوهٔ برقراری تعادل میان اندازه و فاصله را توضیح می‌دهد. مرلوپونتی مطرح می‌کند که پدیدهٔ تعادل، نشان‌دهندهٔ تمایل انسان به ایجاد روابط مسلم بین اندازه و فاصله است و اندازهٔ قابل‌رؤیت ما را برمی‌انگیزاند؛ تا ابژه را به‌عنوان موجودیتی در آن اندازه و فاصله در نظر گیرد. درعین‌حال،

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

اندازۀ قابل‌رؤیت به معنی «بودن» ابژه در فاصله‌ای از انسان است. اندازۀ قابل‌رؤیت هم مقدم بر ادراک ما از ابژه در فاصله و هم متقارن بـا آن است. می‌توان گفت ابژه بدون داشتن اندازۀ قابل رؤیتی که دارد، در فاصله‌ای که آن درک شود، ظاهر نمی‌گردد(Morris ,1997:87). بنـا بـر آرای نظریات مرلوپونتی، «اندازۀ قابل‌رؤیت، مستقل از فاصله قابل‌تعریف نیست: اندازه به‌واسطۀ فاصله و فاصله از طریق اندازه ایجاب می‌شود» (Merleau-Ponty et al, 1962 :304) و بر طبق ادعای او، «عمق، ارتفاع و وسعت به‌عنوان اجزای فضا کنار هم قرار نگرفته، بلکه هم‌زیستی دارند و بدن با تمام آنها، متناسب با فهمی که از جهان می‌تواند داشته باشد، سروکار دارد. این رابطه پیش از آنکه فضایی باشـد، مـوقتی و جسـمانی است. چیزها به دلیل اینکه در لحظه‌ای مشخص پیشروی سوژۀ ادراک‌کننده حاضرند، در فضا هم‌زیستی دارند»(Viljoen, 2009: 29).

تصاویر ۱ و ۲- مفهوم عمق در فرم ارگانیک و خطی بازارهای تاریخی

نور و رنگ در فضای معمارانه: در نگاه مرلوپونتی، نور، فاصله و پرسپکتیو با هدایت خیره کننده فـرد، رنـگ را بـه بهتـرین حالـت نشـان می‌دهد و در تجربه فرد تاثیرگذار است. رنگ با نشان دادن خاصیت بیرونی و مادی، حالت مکانمند از یک متعلق شناختی، موجب ایجـاد یـک حس ذهنی در ادارک کننده می‌شود(Murata et al, 2007:11). در یک مکان مشخص در فضا و قرار دادن یـک متعلـق شـناخت در فاصـله خاص، رنگ به رنگ اتمسفری تبدیل شده و دور ابژه را می‌گیرد و آنگاه در فرد نفـوذ مـی‌کنـد(Merleau-ponty et al,1962: 227). هـدف بنیادی کار بسیاری از معماران، حول محور نور می‌چرخد، کیفیت نور و سایه به واسطه فضای پر و خالی، شفافیت، کدر بودن و نیمه شفافیت‌ها جوهر ادراکی و کالبدی معماری را ایجاد می‌کند، «نور طبیعی با تابش گوناگون خود، شورمندی معماری و شهری را سامان مـی‌دهـد»(هـال و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۷).

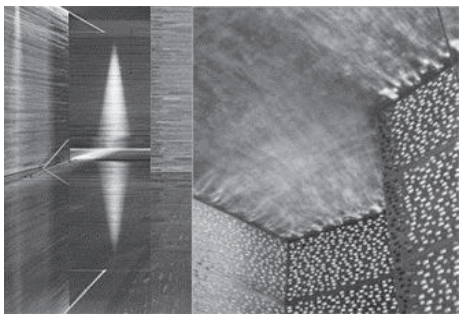

اثر پیتر زومتور، موزه کلمبیا، کلن آلمان، ۲۰۰۷ (Pallasmaa, 2019)

اثر پیتر زومتور ، حمام والس سوئیس (Pallasmaa, 2019)

تصاویر ۳ و ۴- تأثیر نور و حس متفاوت بر ناظر موجود در فضا

ادراک تنانه با ایجاد حس حرکت: دیدگاه‌های متفاوتی از طرف اندیشمندان در مورد حرکـت در معمـاری مطـرح شـده اسـت، در واقـع حرکت هرگونه جنبش یا جابه‌جایی بدن است که باعث تغییر در میدان دید می‌شود. چنانچه زوی[۱۴] به‌عنوان یکـی از نظریـه‌پـردازان فضـانگر، معماری را به‌مثابه فضای داخلی می‌داند و فضای داخلی تنها با حرکت در آن تعریف می‌شود و سه عنصر، انسان، حرکت و فضا نقش اساسی در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

تحلیل فضایی زوی دارند(zevi, 1973: 46). زوی و گیدئون[۱۵] انسان را موجودی با حرکت پیمایشی در فضا می‌بینند که فضا تنها با حرکت او تعریف می‌شود و شولتز[۱۶] موضوع را عمیق‌تر می‌بینند، انسان و روان او را در این باره مطرح می‌کند(معماریان، ۱۳۸۶: ۳۳۹). از نظر فیلسوفان حرکت مولد ایجاد دو عنصر زمان و مکان است. در واقع می‌توان گفت حرکت، جوهره درک هر فضایی است که می‌تواند به سه شکل فیزیکی، بصری و خیالی (ذهنی) باشد حرکت فیزیکی کاملاً مادی است و جابه‌جایی به شمار می‌رود. حرکت بصری حرکت چشم‌ها است و از یک نقطه‌به‌نقطه دیگر می‌رود و حرکت خیالی (ذهنی) در برخی از فضاها روح انسان را از تن جدا می‌کند و خیالاتی را به ذهن می‌آورد و برخی براین باورند که مکان منتهی علیه حرکت است و درنهایت حرکت سکون و آرامشی در مکانی مشخص جسم است و محل پایان حرکت را می‌سازد (گودرزی و کشاورز، ۱۳۸۶: ۹۱). حرکت لازمه ادراک معمارانه است، فضای معماری به‌واسطهٔ خواص پویایی، سیالیت و مکث، موجبات حرکت فیزیکی، بصری و خیالی (ذهنی) را در ناظر فراهم می‌آورد (porter,2014: 28-29).

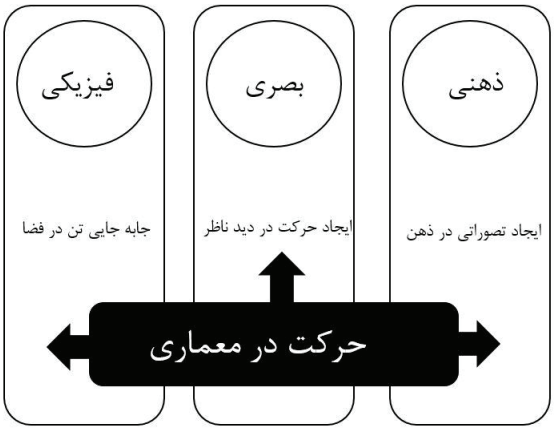

تصویر ۵- انواع حرکت در معماری

یکی از مهم‌ترین اصول ادراک ذهنی این است که یک موجود زنده برای ادراک باید فعال باشد. در معماری و شهرسازی فضا چیزی است ایستا که حداکثر فعالیت را از بیننده طلب می‌کند و حرکت در فضای شهری باعث ادراک صحنه‌های متوالی می‌شود که هر یک تجربه‌ای را برای فرد ایجاد می‌کند و فضا باید زنجیره‌ای متوالی ایجاد نماید تا فرد بتواند آن را در ارتباط با یکدیگر و به دنبال هم درک کند (غفاری، ۱۳۷۱: ۷). فرد با حرکت در فضا جهان اطراف خود را به‌صورت توالی محرک‌های بصری تجربه می‌کند، زوایای پنهان را کشف می‌کند. بسته به میزان ارتباط میان محرک‌های مختلف در یک فضا، آن فضا را به‌صورت فضایی منسجم درک می‌کند. اگر محرک‌ها ارتباط زیادی باهم نداشته باشند، فضا را مبهم و نامنسجم می‌بیند و احساس ناراحتی و سردرگمی می‌کند (ماتلاک، ۱۳۷۹: ۲۷۴). حرکت‌های بدن در طی گذشتن از پرسپکتیوهای همپوشانی که در فضا فرم گرفته‌اند، عامل پیوند میان ما و معماری است. اگر تجربهٔ گذشتن از فضاها، تجربهٔ چرخش و پیچش بدن و حرکت‌های به بالا و پایین، ریتم‌های باز و بسته، تاریک و روشن‌های فرم‌های هندسی وجود نداشته باشند، قوهٔ داوری ما هرگز کامل نمی‌شود (هیل، ۱۳۹۶). معماری و بدن در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند (مرلوپونتی، ۱۳۹۸: ۱۷). آگاهی به‌سوی خود چیزها، با میانجیگری تن است. در هر لحظه از حرکت، بدن ما ابعاد و فیزیک خود برای کنش را در اختیار فضا قرار می‌دهد؛ بنابراین خاستگاه و تغییرات ناگهانی فضا واکنشی به کنش بدن در قبال جهان است.

پارالاکس دید ناظر در درک فضای معماری: مبحث بدن اولین‌بار در حوزه فلسفه مطرح شد. توجه به بدن در فرهنگ و فلسفه غرب شروع می‌شود و بدن را نقطه شروع تفکر و درک جهان عینی می‌داند. هال در کتاب پارالاکس خود بیان می‌دارد تحرک و سوژه (بدن) ابزارهایی برای اندازه‌گیری فضای معماری هستند. آنچه اهمیت دارد، درگیرشدن بدن با فضا به‌مثابه جریان‌های الکتریکی است که باعث پیوند بدن، فضا، چشم و ذهن می‌شود(holl, 2000: 38) و این‌گونه تعریف می‌کند: «حرکت بدن درون فضا و مهم‌ترین نکته‌ای که معماران باید بدان توجه کنند؛ این که هر گوشه از فضا، حین حرکت چگونه تجزیه می‌شود»(Blockword, 2015 به نقل از شریفیان، ۱۳۹۸: ۷۴). جمله معروف مرلوپونتی، " فضا برای من وجود نخواهد داشت اگر بدنی نداشته باشیم". این جمله نشان‌دهنده اهمیت تن در تفکر وی است. وی چنین اظهاری می‌دارد که با درنظرگرفتن بدن در حال حرکت است که می‌توان زیستنش را در فضا دید. به این دلیل است که حرکت به‌صورت مجهولانه خود را به فضا و زمان تحمیل نمی‌کند؛ بلکه به صورت فعالانه آن را در برمی‌گیرد(merlea- ponty, 1962:102). مرلوپونتی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

ادراک را در گرو بدن در حال حرکت می‌داند و استیون هال برای ترجمه آن در معماری از واژه پارالاکس استفاده می‌کند. در واقع مرلوپونتی در کتاب پدیدارشناسی ادراک (1962) نقش بدن در تجربه مکان را در کانون نظریاتش قرارداد. مرلوپونتی راه مطالعه آگاهی را از طریق بدن ممکن می‌شمارد، چرا که همانا تن‌یافتگی از آگاهی مقدر است. یکی از نتایج دقیق و پیچیده مرلوپونتی این است که ادراک حسی و بدن برای فهم در عالم بودن ما ضروری است، چیزی که از نظر وی هایدگر بدان بی‌توجه بوده است (مصطفوی، ۱۳۹۴: ۱۷). پدیدارشناسی معماری پالاسما درست همانند فلسفه پدیدارشناسی مرلوپونتی بر "ادراک چند حسی بدن" مبتنی بر مرکزیت بدن در ادراک فضاها تأکید می‌کند. هر تجربه بساوایی در معماری، چند حسی است. کیفیت ماده، فضا و مقیاس به طور مساوی در چشم، گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات بدن تقسیم شده‌اند (پالاسما و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹).

هال در کتاب پارالاکس خود اشاره دارد، تغییرات در قرارگیری صفحات عمودی موجود در فضا که نتیجه تغییر زاویه بیننده است و تجربه مخاطب را چندین برابر می‌کند(Holl, 2000: 26). تا زمانی که مخاطب در فضا به حرکت درنیامده تنها ادراک بصری و حس بینایی وی با فضا درگیر است، ولی در گرو حرکت، سایر حس‌ها مثل لامسه، بویایی، شنوایی و حتی چشایی نیز با فضا درگیر می‌شوند و از نظر هال در این لحظه است که ادراک کامل می‌شود. هنگامی که بدن در فضا حرکت می‌کند، منظر پرسپکتیوی به دریافت فضایی متنوع تبدیل می‌شود. پارالاکس می‌تواند به‌عنوان آرایش فضای جدید در معماری مطرح شود که با کمک آن در بافت فضایی حاصل می‌شود. هال با مطرح‌کردن پارالاکس نگاه به معماری را از دوبعدی بودن و حتی سه‌بعدی بودن خارج و بعد چهارم به آن اضافه می‌کند که متکی به همان سیالیت در بافت فضایی است(Yorgangioglu, 2004:65).

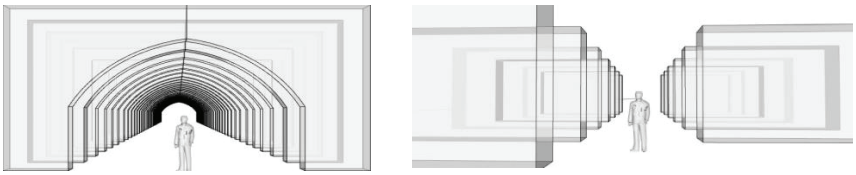

تصاویر ۶ و۷- تغییر در قرارگیری صفحات و زاویه دید (پارالاکس عمودی و افقی)

حس و حال فضا (اتمسفر): پدیدارشناسی مرلوپونتی، به پرسش کشیدن مرز بدن و جهان است و تن‌یافتگی سوژه را شرط در عالم بودن وی می‌داند. تأثیر افکار وی را می‌توان به‌روشنی در آرا و اندیشه‌های یوهانی پالاسما و پیتر زومتور مشاهده کرد. زومتور، ویژگی یک معمار خوب را برانگیختن حضور انسان از طریق تجربه یک اتمسفر در فضا می‌داند. پیتر زومتور در کنار معمارانی چون سیگورد[17] و آلدو فان آیک[18] را که می‌توان از جمله معمارانی قلمداد کرد که آثارشان بازتاب احساسات عمیق انسانی است، قرار دارد. زومتور خود را ملزم به استفاده از بساوش پذیری، بو و کیفیت صوتی مواد می‌داند و معتقد است اثر معماری زمانی که می‌تواند از کیفیت اثر هنری برخوردار باشد که ترکیب فرم و محتوایش اتمسفر پر قدرتی بیفزاید و بتواند مخاطب را تحت‌تأثیر قرار دهد (زومتور، ۱۳۹۴: ۲۵). زومتور اتمسفر را یک حالت شهودی که به حضوریافتن در فضا درک می‌شود، می‌داند که حس و حال یا اتمسفر را از طرق ادراک حسی دریافت می‌شود. اتمسفر از طریق ادراک حسی‌مان دریافت می‌شود، شکلی از دریافت که به طور شگفت‌انگیزی سریع عمل می‌کند. در واقع حال و هوا، هم‌حسی‌ها، القائات حرکتی، اجتماعی بودن و کاراکترهای ارتباطی اتمسفر تولید می‌کنند (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴۷). اتمسفر به قدمت تاریخ بوده و با انسان، مکان و فضا درهم‌تنیده است.

در واقع مفهوم و توجه به اتمسفر، برآمده از واکنشی است به مدرنیته که گرایش آن غالباً مبتنی بر موضوعاتی همچون هندسه، تکنولوژی و تولیدات صنعتی در ساختمان‌سازی بود. در فلسفه و به طور اخذ در پدیدارشناسی، این مفهوم به‌گونه‌ای برجسته برآمده از اشمیتز[19] و به طور کل برآمده از نظریه ادراک است (اشمیتز از هوبرت تلنباخ[20] که یک روانپزشک بود الهام گرفته است). در دیدگاه اشمیتز، اتمسفر چیزی است که به‌صورت بنیادین بر انسان غلبه می‌کند و اتمسفرها احساساتی قوی یا ضعیف موجود در فضا هستند (بورچ و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۵). اتمسفر در محیط، تشریح ابعاد تجربه‌گرایانه ماست که از طریق خوانش آنی جنبه‌های اجتماعی، رفتاری – وجودی، بالقوه و تخیل‌سازی در قالب تصویر اتمسفری رخ می‌دهد. انسان به‌واسطهٔ حواسش، محیط را ارزش‌گذاری و قضاوت نمی‌کند، با استفاده از حس و تخیل، آزموده و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بسترهای آرامش‌بخش و خاصیت دعوت‌کنندگی آنها، تصویرسازی، خیال‌پردازی و تفکرات فانتزی ناخودآگاه ما را تشکیل می‌دهد. کیفیت های ماده، فضا و مقیاس توسط، چشم، پوست، بینی، زبان، اسکلت و استخوان‌بندی و ماهیچه‌ها مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

و ما آثار هنری و معماری را از طریق حواسمان و وجودمان احساس می‌کنیم. موریس مرلوپونتی بر هم‌زمانی تجربه حواس و کنش حسی تأکید دارد، بنابراین ادراک انسان ماحصل داده‌های مبتنی بر دیدن، شنیدن، لامسه نیست، با روش کلی‌تر و با تمام وجود، درک‌کردن است (Merleau Ponty, 1964: 48).

این پژوهش با بررسی مؤلفه‌هایی که از سوی مرلوپونتی و نظریه‌پردازان پیرو وی در جهت نقش تن برای درک آثار نقاشی و هنری بیان شده، تشریح کرده و آن را در بازار ایرانی موردبحث قرار می‌دهد و با تشریح تنانگی به دنبال عرضه فلسفه مرلوپونتی در هنر و بیان آن در معماری است و رابطه آن را با درون‌مایه‌های فلسفی او مانند: حضور در فضا، حرکت، تأثیر پرسپکتیو دید، پارالاکس (دید صفحات متوالی)، عمق و فاصله (افق مندی)، تأثیر رنگ و نور هنگام حضور حس و حال فضایی (اتمسفر) در بازارهای تاریخی آشکار سازد.

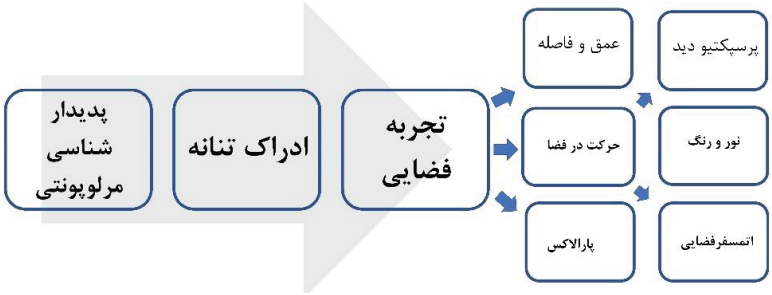

تصویر شماره ۸– مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ادراک تنانه در نگاه مرلوپونتی و نظریه پردازان پی رو

روش تحقیق

روش پژوهش بر پایه مدل پیاز (Saunders et al ,2009:138) در تصویر یک ارایه شده است که در آن هر لایه متأثر از لایه دیگر است. ساختار پژوهش مبتنی بر روش کیفی گراندد تئوری[۲۱] یا نظریه مبنایی صورت پذیرفته است. در واقع گراندد تئوری یا نظریه مبنا یک روش تحقیق استقرایی با رویکرد کاملاً کیفی و یک شیوه پژوهش اکتشافی است (Fernández, 2004: 84& Martin et al, 1986: 141) و این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند، تا بدون استفاده از فرضیه، بر مبنای تئوری جدید و نه بر مبنای ایده شخصی محقق؛ بلکه بر اساس داده‌های محیطی و شرایط واقعی به تبیین داده‌ها بپردازد. به عبارتی گراندد تئوری؛ فرایند طراحی و ساخت نظریه مدون و مستند از راه گردآوری، سازماندهی داده‌ها و تحلیل استقرایی آنها است. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار در عرصه واقعیت آغاز می‌شود و نظریه از طریق داده‌هایی که آورده شده بیان می‌گردد (بهادری، ۱۳۹۷: ۷۴). تحلیل داده‌ها نیز طی فرایندی منظم و درعین‌حال مداوم در سه مرحله: کدگذاری باز[۲۲]، کدگذاری محوری[۲۳] وکدگذاری انتخابی(نهایی)[۲۴]صورت می‌گیرد. در انجام کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها یا مشاهدات چندین بار خوانده و جملات اصلی آن استخراج شده و به‌صورت کدهایی ثبت می‌گردد. در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات فرعی و مرتبط خود پیوند داده می‌شوند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری دربارهٔ پدیده ارائه گردد. هم چنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل شده‌اند باهم مقایسه و آنهایی که با هم شباهت ساختاری و مفهومی داشتند، حول محور مشترکی قرار می‌گیرند؛ توجه به شرایط، زمینه و پیامدهای هر طبقه در این مرحله، ضروری است (Antony et al, 2002). کدگذاری انتخابی (نهایی) فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها و متغیرها در راستای رسیدن به هدف پژوهش صورت می‌پذیرد؛ به‌این‌ترتیب که با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص در بین مقوله‌ها، برای ارائه و شکل‌دهی یک تئوری تنظیم می‌شود. بر اساس نظر کرسول، یک محقق در این شیوه، می‌تواند نظریه خود را از سه‌راه؛ به‌صورت نمودار (جدول)، به شکل تشریحی و روایت یک داستان، یا به‌صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها ارائه نماید (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۵، به نقل از بهادری ۱۳۹۷).

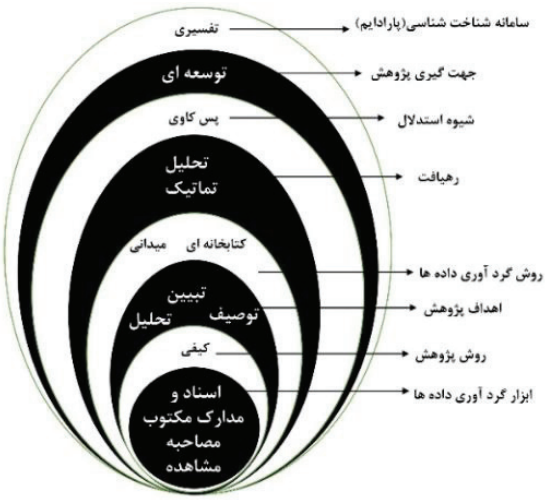

تصویر ۹– روش پژوهش

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

در این پژوهش جهت رسیدن به هدفی با ماهیت ادراک تنانه بر طبق نظریه مرلوپونتی، ارزیابی نقش تن و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در بازار ایرانی پرداخته شد. با بررسی وجوه مشترک میان دیدگاه مرلوپونتی و آثار هنری، این مؤلفه‌ها در معماری مورد بررسی قرار گرفت، بخشی از خروجی‌ها به‌صورت مطالعات میدانی و تصاویر تهیه شده از موضوع موردبحث است. ازآنجایی‌که پژوهش حاضر دربردارنده مباحث ادراک محیطی و حسی است، از متخصصین و فارغ‌التحصیلان رشته معماری برای مصاحبه و حضور در فضا در بازار تاریخی اصفهان به‌عنوان مکان مورد پژوهش استفاده تا با واژگان کلیدی در مصاحبه آشنایی داشته و قدرت بیان و تشخیص کافی در جهت ثبت موارد خواسته شده را داشته باشند. ۶ متغیر بر طبق نظریه مرلوپونتی در چهارچوب نظری تبیین گردید که برای هر کدام سه کدگذاری انجام شده است، بنابراین مصاحبه از ۱۸نفر[1] متخصص رشته معماری و ۱۸ نفر فارغ‌التحصیلان این رشته انجام شد و نتایج حاصل از نظریات و پاسخ مصاحبه‌شوندگان ثبت گردید. سؤالات مصاحبه از ۶ متغیر اصلی مورد پژوهش تعیین گردید: ۱. نور و رنگ چه تاثیری در درک شما دارد؟ نور و رنگ)؛ ۲. درکی که از تصویر دیده شده از بازار دارید با درک شما هنگام حضور یکی است؟ تفاوت در چیست؟(پرسپکتیو دید)؛ ۳. چه عواملی در ایجاد ذهنیتی کلی از این فضا تأثیرگذار بود؟(اتمسفر فضایی)؛ ۴. عمق دید فضایی در این بناها چگونه است و چه حسی در شما ایجاد می‌کند؟(عمق و فاصله)؛ ۵. چه جذابیت بصری شما را دعوت به ورود به این فضاها می‌کند؟(پارالاکس& حرکت)؛ ۶. چه عواملی شما را به حرکت در فضای کالبدی در بازار ایرانی تشویق می‌کند؟(حرکت& پارالاکس). در این راستا با توجه به مؤلفه های مورد بحث در این پژوهش سوالاتی مطرح گردید که پس از مصاحبه و جمع آوری اسناد و مدارک برای پاسخ گویی مناسب تر و رسیدن به نتیجه ایده آل، پژوهشگرکدگذاری هایی تحت عنوان کد بازکه تشریح مؤلفه است؛ کدگذاری محوری که جهت یابی در پاسخگویی مناسب می‌پردازد و کدگذاری انتخابی(نهایی) که موضوع اصلی پردازش هر مؤلفه است، تبیین گردید(جدول۳).

یافته‌های تحقیق

بررسی مؤلفه‌های ادراک تنانه در بازارهای تاریخی ایران: بازارهای تاریخی باتوجه‌به سیر تحول در کل دارای تیپ و کالبد یکسان‌اند و اصولاً به‌صورت سرپوشیده در یک یا چندطبقه شکل یافته‌اند. راسته‌های بازار از لحاظ پلانی به‌صورت خطی و ارگانیک هستند. در بازار تاریخی تبریز (تصاویر ۱۰، ۱۱ و ۱۲)، یک شبکه ارتباطی متشکل از تعداد راسته‌های موازی و متقاطع است. دو راسته اصلی آن راسته‌های شمالی – جنوبی است که به طور تقریبی، با هم موازی‌اند، بازار تبریز به دلیل اقلیم سرد و گستردگی تجارت دارای بافت متراکم، فشرده و پوشیده، به‌صورت شبکه‌ای و کاملاً منحصربه‌فرد از هم ایجاد شده است. در این تیپ بازارها، ناظر ساکن در راسته‌های اصلی بازار به‌صورت مستقیم می‌تواند انتهای بازار را ببیند و تنوع زیادی برای جذب و حرکت در وی ایجاد نمی‌شود. اگرچند چینش فضاها در اطراف راسته اصلی بازار، طاق و تویزه‌های سقف و عناصر عمودی در تفکیک حجره‌ها تداعی‌کننده حرکت در فضای معماری‌اند و این چینش‌ها، حرکت بصری و فیزیکی را برای مخاطب تداعی می‌کنند. در بازار تاریخی زنجان (تصاویر ۱۳،۱۴ و ۱۵) و بازار تاریخی کاشان راسته‌های بازار دارای ارتفاع کم هستند، تا جایی که نسبت عرض به دهانه حدوداً یک‌به‌یک یا کمی بیشتر است. ارتفاع کم بازار نسبت به بازارهای دو و سه‌طبقه، دید و پرسپکتیو زیادی در اختیار ناظر حاضر در فضا قرار نمی‌دهد. بازار اصفهان (۱۶، ۱۷ و ۱۸) که با ساختاری خطی و فرم ارگانیک در دو زمان قدیم و جدید ساخته شده است. قسمت جدید با ساختار شبکه‌ای و نظمی بهتر و قسمت قدیمی با فرمی ارگانیک بنا گردیده است. ارتفاع بازار دوطبقه و نسبت یک‌به‌دو نسبت به عرض راسته اصلی بازار دارد و دید گسترده‌تری را در اختیار ناظر قرار می‌دهد.

تصاویر ۱۰، ۱۱ و ۱۲– دید ناظر در بازار تبریز (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸)

تصاویر ۱۳، ۱۴ و ۱۵– دید ناظر در بازار زنجان (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸)

تصاویر ۱۶، ۱۷ و ۱۸– دید ناظر در بازار اصفهان (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸)

۱. در تحقیق کیفی معیاری دقیق برای حجم نمونه، تعداد، افراد مطلع یا مشارکت کننده وجود ندارد، با این وجود عواملی مانند هدف از نمونه‌گیری، نوع نمونه‌گیری و روش مطالعه در تعیین حجم نمونه موثر می باشد(ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۲۶). نظر به اینکه روش گراندد تئوری برای این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است، به طور معمول این روش حدود ۳۰ تا ۵۰ مصاحبه یا مشاهده کافی است با این هال هالووی و ایمی، برا این باورند که ۴۰ الی ۴۵ مشارکت‌کننده برای مطالعه کافی می‌باشد (هالووی و ایمی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

در بازار، عمق همان پیدایی و پنهانی صفحات عمودی و افقی نسبت به نظرگاه زیسته است. تویزه‌ها یکدیگر را می‌پوشانند و عیان می‌سازند. از میان آنها گاه حجره‌ها پیدا و گاه پنهان است. پس و پشت هر چیزی، چیز دیگری نمایان می‌شود. در این صفحات عمق نه خاصه‌ای عینی از خاصه‌های مکان است نه تجربه ذهنی یا سوبژکتیو، بلکه خود واقعیت "جای گرفتگی" ادراک ما از جهان است. اگر کالبدی، کالبد دیگر را نهان و عیان نمی‌کرد، مفهوم عمقی برای جای‌گیری صفحات و ادراک ناظر وجود نداشت. این مفهوم عمق در راسته‌های سیال و خطی بازار متفاوت است و بر درک ناظر زیسته در فضا تأثیرگذار است. مخاطبی که در فضا قرار می‌گیرد، اولین مؤلفه که بر طبق نظریات مرلوپونتی او را تشویق به حرکت می‌کند، عمق و فاصله برای رسیدن به هدف است. چیزی که او را به حرکت در فضای معماری تشویق می‌کند، پرسپکتیو دید ناظر در راسته‌هایی با فرم‌های شکسته، خطی و ارگانیک قابل‌بررسی است، راسته‌ها با فرم‌های ارگانیک تنوع‌پذیری بیشتری نسبت به راسته‌هایی که به ناگاه تغییر مسیر می‌دهند یا به‌صورت مستقیم و خطی طراحی می‌شوند، دارد.

تصاویر ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۳- ایجاد حس حرکت با توجه به فرم و چینش فضا در راسته ها، تاثیر نور و سایه در هورنو های سقف(بازار اصفهان)

دیدن چیزی به‌عنوان نما، با یک باشنده و دید دوبعدی، به‌صورت هوشیارانه و به‌تنهایی منجر به خوانش نمی‌شود و دانش ما درباره صحنه و نوع تجربه ما را ضمانت نمی‌کند، تا زمانی که مخاطب در فضا به حرکت درنیامده، تنها ادراک بصری و حس بینایی وی با فضا درگیر است ولی در گرو حرکت، سایر حس‌های وی نیز مثل لامسه، بویایی، شنوایی و حتی چشایی نیز با فضا درگیر می‌شوند و از نظر هال در این لحظه است که ادراک کامل می‌شود. در دالان‌ها و ورودی سراهای بازار چینش فضاها، فرم سیال و کالبد فضا در جداره و سقف بر دید ناظر تأثیرگذار است، انسان به دلیل تنوع‌طلبی میل به دیدن فضاهای مخفی در دیدگاه خود دارد. این میل، او را به حرکت در فضا واداشته و با بدن خود کیفیت فضایی را درک می‌کند. تابش نوری که از طریق هورنوها در سقف بازار در راسته‌ها به وجود می‌آید، تداعی‌کنندهٔ حرکت است. ارتفاع نیز می‌تواند بر پرسپکتیو دید ناظر و مفهوم عمق، اتمسفر فضایی و پارالاکس دید تأثیر بگذارد. بازارهایی همانند بازار تاریخی زنجان و کاشان به علت یک‌طبقه بودن دید وسیعی در اختیار ناظر قرار نمی‌دهد درصورتی‌که در بازار اصفهان که به‌صورت دوطبقه و بازار تبریز که گاهی در قسمت‌هایی به‌صورت سه‌طبقه با سقف بلند است، تنوع دید گسترده‌تری در اختیار ناظر قرار می‌دهد و این گستردگی دید پارالاکسی بیشتر و فضا تعریف‌شده‌تری در بردارد که این با یک قاب عکس قابل‌توصیف نیست.

تصاویر ۲۴ و ۲۵- نمونه ای از پارالاکس، ایجاد مناظر گوناگون و سیالیت به کمک رمپ و حرکت بدن در فضا، استیون هال، موزه کیاسما(kiasma)، هلسینکی، فنلاند، ۱۹۹۸. (ماخذ: www.stevenholl.com)

تصاویر ۲۶، ۲۷و ۲۸- نمونه ای از پارالاکس، ایجاد دید و منظر متوالی در دالان‌ها و ورودی سراهای بازار(بازار اصفهان)

پارالاکس تغییرات در قرارگیری صفحات عمودی و افقی است که فضا را در نتیجه تغییر زاویه دید بیننده تعریف می‌کند و این حرکات چشم انسان که درگیری با صفحات عمودی و افقی تشکیل‌دهنده فضا را در پی دارد، تجربه انسان را چندین برابر می‌کند (Holl, 2000: 26). حرکت عمودی با صفحات متوالی در جداره‌ها و کف، همچنین در بعد افقی در ورودی عناصر وابسته به بازار منجر به دیدهای متوالی و پرسپکتیوهای متفاوت از چینش فضا می‌شود، در نهایت بر درک باشنده در فضا تأثیرگذار است. اختلاف ارتفاع ورودی از کف راسته‌بازار تا کف حیاط که اصولاً پایین‌تر است، در بیشتر بناهای وابسته به بازار مشهود است، حتی راسته‌های اصلی بازار هم در یک سطح نبوده و دارای

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

پستی‌وبلندی در مسیر حرکتی‌اند؛ از طرفی نور سلسله‌مراتبی از هورنوها و فخرمدین‌ها و طیف رنگی یکنواخت مصالح استفاده شده برای تجلی کالبد، مسیر حرکت را با وضوح بیشتری نمایان می‌سازد.

اتمسفر با حضور مادی بدن در فضای معماری، درک ردیف‌هایی از پرتوهای نور در هورنوهای سقف بازارها، تأثیر حسی در باشنده ایجاد می‌کند. این همان چیزی است که مرلوپونتی از آن تحت عنوان ادراک تنانه یاد می‌کند. عناصر کالبدی که به‌دور راسته‌های ارگانیک، شکسته و خطی به‌صورت منظم چیده شده‌اند و تداعی نوعی حرکت در معماری می‌کنند که با یک تیپ مواد و مصالح که اصولاً از آجر و خشت است، آن محیط را رمزآلود می‌کند و آبی که هر روز صبح از سمت فروشندگان در راسته‌ها پاشیده می‌شود؛ بوی عجیبی از خاک و حس زندگی و نفس‌کشیدن در این فضا را برای مخاطبین موجود در فضا ایجاد می‌کند. آری اینجا بازار است! گوش کنید؛ از هر راسته از بازار، صدایی به گوش می‌رسد. صدای چکش راسته مسگرها، کفاش‌ها، صدای فریاد فروشندگان میوه و تره‌بار و صدای دعوت فروشندگان برای خرید انواع کالا در بازارهای تاریخی حس و حال فضا را دگرگون می‌کند. به‌راستی این حس و حال را می‌توان از تصاویر بازارهای تاریخی دریافت کرد؟ صدایی که فضاهای خاص ایجاد می‌کنند، هیاهوی مردم برای خرید و فروشندگان برای فروش، صدای گاری‌ها... بله، هر بنا برای خودصداهای گوش نوازی دارد که به مخاطب یادآور می‌شود؛ اینجا بازار است! چه موسیقی دلنوازی؟!! دما در بازار چگونه است؟ این حس خنکی با طاق‌های سرپوشیده و بلند گرما رو به سمت بالا می‌رود و حس دمایی دلپذیر را برای مخاطب تداعی می‌کند. رایحه عطاری، طعم و بوی میوه‌ها به‌گونه‌ای است که حتی با چشمان بسته نیز می‌توان مسیر را پیدا کرد. این چیدمان چه تنوع رنگی زیبایی را در بردارد؛ چه نظم دل‌انگیزی در این مکان حکم‌فرماست. هر راسته به‌گونه‌ای متفاوت حواس پنج‌گانه انسان را درگیر می‌کند و این عمل تنها با حضور تن است. بارهاوبارها اتفاق افتاده است، وقتی انسان وارد فضایی می‌شود، شاید قصد انجام عملی را نداشته باشد ولی سوژه‌های اطراف در او انگیزه‌ای برای انجام آن کار را می‌دهند، در بازار هم بدین‌گونه است. سایر خریداران می‌توانند نظر مخاطب را برای خرید تغییر یا نظر مثبتی برای خرید کالا خاص داشته باشند و شاید ساعت‌ها در فضا باشند و گذر زمان را متوجه نشوند. معماری هنر فضایی است، معماری هنری زمان‌مند است. تجربه از لحظات جاری، حس حرکت، حس آرامش و در جای دیگر بیشتر به فریفتن مردم مربوط می‌شود. وقتی در فرم ارگانیک بازار انسان تنوع‌طلب قرار می‌گیرد، ناخودآگاه مسیر باعث حرکت وی می‌شود و درعین‌حال این فریفتن همراه آرامش است. کشمکشی که میان راسته‌های سرپوشیده بازار و عناصر وابسته به آن از جمله سراها، مساجد و مدارس وجود دارد که اغلب به‌صورت روباز و با حیاط مرکزی منظم به راسته اصلی بازار چسبیده‌اند و گویی سلسله‌مراتب و تداوم فضایی ایجاد می‌کنند. چه حس خوبی القا می‌کند، بله! این حس‌ها فقط با حضور در فضا و از طریق بدن قابل‌درک است نه در یک تصویر!

در جدول سه بر طبق کدگذاری‌های انجام شده و باتوجه‌به جامعه آماری، نظر به شش مؤلفه تبیین شده بر طبق آرای نظریات مرلوپونتی و پیروان وی در مورد ادراک تنانه، جمع‌بندی نظریات مصاحبه‌شوندگان ارائه گردیده است (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها

مؤلفه تأثیرگذار (۱)	درک تنانه فضا با ایجاد حس حرکت در فضای ذهنی و فضای معمارانه (حرکت از سمت باشنده، حرکت بصری در کالبد بازار، خاطره و تجربه کسب شده از حس حضور)		
کدگذاری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کد نهایی
	حرکت ذهنی و فیزیکی به واسطه خواص پویایی، سیالیت و مکث	تامین نیازهای ذهنی و روحی و تجربه متفاوت در فضای معماری	فضای معماری
گزارش بدست آمده از مصاحبه ها	القای حس حرکت به صورت فیزیکی در نحوه قرارگیری حجره ها، تزئینات، روزه‌ها و بازشوها، طاق و تویزه ها، بدنسازی و نوع مصالح در بدنه، ایجاد حس حرکت به وسیله ریتم نور در جداره‌ها و سقف، ناظر ساکن و ایجاد حرکت چشم در انسان از طریق نحوه چیدمان فضا، تزئینات و حرکت ذهنی و خیالی و گرفتن حس خوب از فضا از طریق حواس پنجگانه و تاثیر بر نوع رفتار انسان. حرکت مستقیم احساس فوریت و هدف دار بودن و حرکت غیر مستقیم احساس تنش با اسرار آمیز بودن فضا، حرکت پیچ دارالقاء حس تفکر یا افسردگی.		
تصاویر			

تصویر ۲۹- بازار اصفهان(حاج قاسمی، ۱۳۷۸)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

مؤلفه تاثیرگذار(۲)	پارالاکس دید ناظر در درک فضای معماری(تنانگی و مکان مندی) حرکت عمودی، مایل، افقی در ورودی‌ها و بدنه بازار در جداره و سقف ها، اختلاف ارتفاع بین راسته اصلی بازار و کف		
کد گذاری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کد نهایی
	اهمیت بدن در ادراک و دریافت محیطی	بدنمندی و درگیری بدن در جهت درک فضای معماری در مکان	مطرح بودن بعد چهارم معماری، زمان، سیالیت فضایی در جهت درک فضا
گزارش بدست آمده از مصاحبه ها	تکرار صفحات عمودی در سقف به واسطه تویزه طاق‌ها و ایجاد حس ریتم و حرکت درانسان، تکرار صفحات عمودی در جداره‌ها ما بین حجره ها. تاکید بر حس حرکت در بعد عمود و بعد افق، نبودن کف بازار در یک سطح و اختلاف سطح در قسمت های مختلف راسته‌های بازار (ترازهای ارتفاعی متفاوت)، قرارگیری بناها با توجه به سلسله مراتب ورود پایین تر از سطح راسته بازار، پارالاکس همراه با حرکت در معماری و ایجاد حس تداوم و پیوستگی در جداره ها، سقف و کف. گشایش فضایی در خطوط افقی و عمودی، درگیری بدن با کالبد فضایی، گذر زمان و تاکید بر بعد چهارم معماری.		
تصاویر			

تصویر ۳۰- بازار اصفهان

مؤلفه تاثیرگذار(۳)	نور و رنگ در فضای معمارانه، درک تنانه فضا از طریق ارتباط حسی با محیط پیرامونی (تاثیر فضای پر و خالی، شفافیت، کدر بودن و نیمه شفافیت‌ها جوهر ادراکی و متافیزیکی)		
کدگذاری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کد نهایی
	تجربه مبتنی بر نور و رنگ محیطی	خاطره انگیزی از طریق ادراک غنی حسی	رنگ، نور، ماده و بافت
گزارش بدست آمده از مصاحبه ها	تابش نور از طریق هورنو های سقف در راسته ها، استفاده از آجر کرم رنگ روشن، پنجره های چوبی ارسی در طبقات بالا، ترکیب آجر و کاشی در تزئینات معماری در ورودی‌ها بناها سبزینگی در میانسرای بناهای وابسته به بازار به واسطه گل و گیاه، دید وسیع به درختان بلند از ورودی با دالان کوتاه، معماری در تعامل با طبیعت و سبزینگی در گل و گیاه موجود در میانسرای حیاط، ایجاد حس آرامش و القای حس مکان از طریق بافت، ایجاد فضایی دلنواز و کاهش شعف حرارتی با وجود آبنما، دالان های تاریک و پیچ دار با حیاط وسیع نورانی، سایه روشن در محدوده باغچه و بین درختان. تنوع رنگی مختلف برای چیدمان حجره‌ها و نورپردازی و از طرفی متریال یکدست چیدمان فضایی و کالبد معماری بازار.		
تصاویر	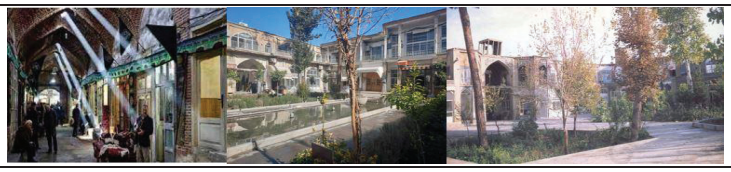		

تصویر ۳۱- بازار اصفهان

مؤلفه تاثیرگذار(۴)	حس و حال فضا(اتمسفر فضایی)، مکان متنوع با کیفیات محیطی متفاوت و حالت شهودی با حضور یافتن در فضا ایجاد غنای حسی در بازار با تاکید برحواس، ایجاد تصویر ذهنی و تاکید بر خاطره انگیزی		
کدگذاری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری نهایی
	اهمیت فضای لامسه در درجه اول و به دنبال آن درگیری سایر حواس	حال و هوا، هم حسی ها، القائات حرکتی، اجتماعی بودن و کاراکترهای ارتباطی	کیفیات فضایی
گزارش بدست آمده از مصاحبه ها	چینش حجره‌ها در کنار فرم خطی راسته بازار و القای حس حرکت و درگیری حس لامسه با پیاده روی در راسته های بازار، معماری خشت، گل و آجر و تحریک حس بویایی از طریق رایحه عطاری فروش‌ها و بوی خاک و خشت، تحریک حس شنوایی با صدای تبلیغ فروشندگان و آوای راسته مسگران، توقف در چهارسوق‌ها و حرکت در راسته‌ها معرف فضای منعطف در بازار، تحریک حس چشایی با چیدن انواع سوغات های محلی در راسته های بازار، طعم و بوی میوه‌ها و پیدا کردن مسیر حتی با چشم های بسته، زد و خورد با سایر افراد و تقویت تعاملات اجتماعی، ریتم نور و سایه از فخر مدین‌ها و هورنوها تداعی کننده حس حرکت و معرف فضای حرکتی، القای حس حرکت، توجه به صدا و اکتشافات گوناگون با توجه به حس کنجکاو بودن انسان.		

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

تصاویر	
	تصویر ۳۲- بازار اصفهان
مؤلفه تاثیرگذار(۵)	ادراک فضایی به واسطه ی تجربه ی عمق و فاصله (حضور در فضا، دیدن عمق و فاصله، تشویق به حرکت ناظر در فضای معماری به صورت ناخودآگاه)
کدگذاری	کدگذاری باز / کدگذاری محوری / کد نهایی تجربه مبتنی بر حواس / راهنمای بصری در جهت درک فضای معماری / همزیستی ابعاد تشکیل دهنده فضای معماری
گزارش بدست آمده از مصاحبه ها	تاثیر افق دید برتقویت حس بینایی، متمرکز کردن دید و ایجاد توجه به عمق، تاکید بر بدن برای درک عمق و فاصله، زبان عمق در تجربه زیسته، خارج از دنیای دو بعدی و وارد شدن به دنیای سه بعدی، تاکید بر مفهوم محرک و برانگیزاننده گستره دید به واسطه چرخاندن چشمان برای درک عمق و فاصله، تشویق انسان برای حرکت در فضا، تغییر مفهوم عمق با تغییر موقعیت انسان، پرسپکتیو متفاوت و عمق ناپیدا در فرم های خطی و ارگانیک، عمق به عنوان راهنمای بصری برای حرکت در فضای معماری و کسب تجربه، متوجه نبودن فاصله‌ها و محو شدن در فضای معماری.
تصاویر	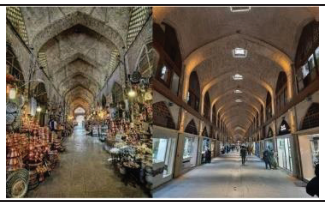
	تصویر ۳۳- بازار اصفهان
مؤلفه تاثیرگذار(۶)	نقش پرسپکتیو در ادراک تنانه فضا از طریق ارتباط حس بینایی با کالبد معماری وتجربه فضایی
کدگذاری	کدگذاری باز / کدگذاری محوری / کدنهایی تجربه مبتنی بر حواس / بینایی محوری با حضور در فضا / نوع چینش فضایی و کالبد معماری
گزارش بدست آمده از مصاحبه ها	پرسپکتیو دید تشویق به حرکت در فضای معماری و برانگیختن حس کنجکاوی انسان برای جستجو در فضا و درک آن، مخفی شدن قسمت هایی از سقف پشت تویزه‌ها و پیدا شدن آن هنگام حرکت به سمت جلو، پرسپکتیو دید متفاوت در راسته‌ها با چینش های خطی و ارگانیک، زاویه دید باز، بسته و گستره دید انسان در درک فضای معماری و تاثیر بر تجربه وی، جایگاه انسان در فضا برای درک، دید از کنار حجره‌ها از سمت فروشنده، دید از وسط راسته‌ها از دید ناظر و مصرف کننده، ارتفاع دید ناظر، ناظر و یک نقطه دید، ناظر و چند نقطه دید، ارتفاع یک یا دو طبقه‌ی راسته های بازار.
تصاویر	
	تصویر ۳۴- بازار اصفهان و تصویر ۳۵- بازار زنجان(جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸)

بحث و نتیجه‌گیری

مرلوپونتی بدن را نه به‌عنوان ابژه‌ای از جهان بلکه به‌مثابه ابزاری برای برقراری ارتباط با جهان ادراک می‌بیند، این همان تن آگاهی است که با حضور در فضا وحدتی بین عینیت و ذهنیت برای ادراک فراهم می‌کند. تنی که او مطرح می‌کند با حضورش در فضا می‌تواند به‌صورت ساکن یا در حال حرکت، درک بهتری از محیط در اختیار او دهد. در واقع پدیدارشناسی مرلوپونتی به دنبال منشأ تجربه است که این قصدیت تجربه با حضور تن به وقوع می‌پیوندند. چالشی که این پژوهش با آن مواجه بود، در این است؛ تصویری از یک فضا همچون بازار که به‌گونه‌ای هنرمندانه به ادراک حسی توجه شده است و درکی که از آن فضا می‌شود، با درکی که هنگام حضور در یک فضای معماری اتفاق می‌افتد،

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

متفاوت است. دیدگاهی که انسان از یک بازار تاریخی که تابه‌حال وارد آن نشده است، با انسانی که وارد آن فضا می‌شود، ساکن است و یا انسانی که در آن فضا حرکت می‌کند؛ متفاوت است. مؤلفه‌های تأثیرگذار در ادراک تنانه، پرسپکتیو دید، عمق و فاصله، پارالاکس و حرکت ناظر، اتمسفر (حس و حال)، انتخاب و در بازار تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. بازارهای تاریخی به دلیل فرم‌های هندسی و کالبدی فضا را جذاب می‌کند و با تکرار و ریتم فرم‌ها و با توالی دید، معماری متحرکی خلق می‌کنند، همانند یک موسیقی که در حال نواخته شدن است، ناظر ساکن در فضا با چرخش سر می‌تواند پرسپکتیوها و صحنه‌های متوالی را ببیند؛ نسبت ارتفاع به دهانه و گستره دید ناظر در راسته‌های اصلی بازار درک او را از فضا دوچندان می‌کند. ریتم و تکرار تویزه‌های سقف و جداره بین حجره‌ها، فرم راسته‌ها به‌صورت ارگانیک و خطی باتوجه‌به میل تنوع‌طلبی انسان او را تشویق به حرکت می‌کند. با حضورش در فضا عمق فضا را درک کرده و توجه به عمق، او را به حرکت دعوت می‌کند. با حرکت در فضا، پارالاکس‌های افقی و عمودی در جداره‌ها، کف و سقف میل و کنجکاوی وی برای ماندن در فضا بیشتر می‌شود. این در مورد فرم‌های ارگانیک در قسمت قدیم بازارهای تاریخی که دارای فرم سیال هستند، به‌مراتب چندین برابر است. در واقع فرم‌های خطی، شکسته و سیال در بازار در درک مخاطب تأثیرگذار است. وجود افق دید و عمق در فضا، استفاده از زیبایی محیط با انواع تزیینات معماری، ایجاد حس حرکت باتوجه‌به نوع چینش و نور، حس بینایی را تحت‌تأثیر قرار داده و باعث مکث و تامل وی در فضا می‌گردد و بر درک و رفتار ناظر موجود در فضا باتوجه‌به ساختار کالبدی تأثیرگذار است این تأثیر باتوجه‌به زاویه دید ناظر و محدودیت گستره دید وی مشخص می‌گردد. مؤلفه‌های اتمسفر فضایی از جمله بدن معماری، صدای فضا، دمای فضا، ابژه اطراف، آرامش و فریب، سلسله‌مراتب صمیمیت، تابش نور با طیف رنگی در بازار، انواع حواس را به‌گونه‌ای هنرمندانه به کار گرفته است. صداهایی که از راسته‌های اصلی بازار شنیده می‌شود، بوهایی از پیشخوان‌های فروش رو به راسته‌ها که نمایش مهیجی از رایحه‌های گوناگون هستند به مشام او می‌رسد و حس لامسه‌ای که از طریق حرکت بر روی پستی‌وبلندی کف راسته‌های بازار ایجاد می‌شود، درگیری با کالبد معماری را در بازار ایرانی دوچندان می‌کند. تنوع رنگ و متریال‌ها به‌صورت ثابت که شامل رنگ بدنه است و رنگ‌های متغیر در اجناس و چیدمان‌ها در معنادادن به محیط و برانگیختن حواس انسان نقش مؤثری دارد و گاهی مضامین و مفاهیم سنتی و فرهنگی را به ذهن القا می‌کند. هنگام حضور، بدن انسان به او یادآور می‌شود " که من هستم، کجا ایستاده‌ام و حال من در این کالبد معماری چگونه است"، به او یادآور می‌شود" که این حال را فقط از طریق تن خود دارد و با این تن به این درک رسیده است". بله؛ ذهنیتی متفاوت از آن فضا در وی تداعی می‌شود، این ذهنیت باعث کسب تجربه فضایی و در نهایت خاطره حضورش در آن مکان و بنای تاریخی می‌گردد. خلاصه مطلب آنکه بیشترین ادراک از طریق تن صورت می‌پذیرد و گام‌های بعدی می‌تواند از طریق ذهن، تصور و یا اندیشه انتزاعی باشد. در تجربه‌ای که از ادراک جهان داریم، بدن از ذهن مقدم تراست و این بدن چگونه درک فضا را تفهیم می‌کند.

پی‌نوشت

1. Martin Heidegger
2. Maurice Merleau-Ponty
3. Juhani Uolevi Pallasmaa
4. Alberto Pérez-Gómez
5. Gernot Böhme
6. Christian Borch
7. Steven Holl
8. Kent C Bloomer
9. Charles Moore
10. Parallax
11. Peter Sloterdijk
12. Mark Wigley
13. Peter Zumthor
14. zevi
15. Gideon Mantell
16. Christian Norberg-Schulz
17. Sigurd lewerentz(1885-1975)
18. Aldo van Eyck(1918-1999)
19. German Spitz
20. Hubert tellenbach
21. Grounded Theory
22. Open coading
23. Axial coding
24. Selective coding

منابع

- ابراهیمی اصل، ح.، پناهی، س. و فروتن، م. (۱۳۹۶). شناخت مؤلفه پارالاکس و ریشه‌یابی آن در فلسفه طراحی استیون هال، نشریه باغ نظر،۱۴(۵۰): ۵۰-۶۰.
- اسپیگلبرگ، ه. (۱۳۹۳). جنبش پدیدارشناسی، ترجمه مسعود علیا، جلد دوم، نشر مینوی خرد، تهران.
- امینی، ا.، سلطان‌زاده، ح. (۱۳۹۶). اتمسفر فضا در پدیده‌شناسی به‌مثابه فضای بدون سطح، مدیریت شهری، ۱۶ (۴۹): ۴۶۹-۴۸۷.
- ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در عملکرد شورای اسلامی شهر در توسعه محلی، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران دانشگاه علوم اجتماعی.
- بصیری، م. (۱۳۹۳). بدن و حواس در رسانه‌های نوین هنری، نگاهی از منظر پدیدارشناسی مرلوپونتی، فصلنامه کیمیای هنر. ۲(۹): ۴۵-۵۲.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

- بهادری، ع. (۱۳۹۷). پژوهش کیفی داده‌بنیاد، «کدگذاری» و اهمیت مراحل و شیوه اجرای آن در کارورزی دانشگاه فرهنگیان، دوفصلنامه راهبردهای نوین تربیت معلمان، ۴(۵): ۶۹-۸۸.
- بورچ، ک.، پالاسما، ی. و گرنوت، ب. (۱۳۹۶). اتمسفر معمارانه، تأثیر اتمسفرها بر تجربه و سیاست‌های معماری، ترجمه مرتضی نیک فطرت، انتشارات فکر نو، تهران.
- پالاسما، ی. (۱۳۹۳). چشمان پوست، ترجمه رامین قدس، انتشارات پرهام نقش، تهران.
- جهاد دانشگاهی پردیس هنرهای زیبا. (۱۳۸۸). بازار ایرانی تجربه‌ای در مستندسازی بازارها ایرانی، جهاد دانشگاهی واحد تهران، تهران.
- حاجی قاسمی، ک. (۱۳۷۸). گنجنامه، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، بناهای بازار، بخش اول، سازمان میراث‌فرهنگی کشور، تهران.
- حقیر، س. و مسئله‌گو، م. (۱۳۹۹). تأثیر فضای معماری مدرن در وسعت بخشیدن به دامنه آگاهی ناظر و ریشه‌یابی آن در نظریه تن - آگاه مرلوپونتی، نشریه باغ نظر.۱۷(۱۸): ۲۸-۱۹.
- خبازی کناری، م. و سبطی، ص. (۱۳۹۵). بدن‌مندی در پدیدارشناسی هوسرل، مرلوپونتی و لویناس، حکمت و فلسفه. شماره (۱۲): ۹۸-۷۵.
- رامین، ف.، شفیعی، راضیه. و حسینی امین، حسین. (۱۳۹۷). رابطه نفس و بدن از منظر دکارت و مرلوپونتی، فصلنامه علمی‌پژوهشی فلسفه و الهیات، ۳(۲۳): ۱۰۸-۱۳۱.
- زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). اتمسفر، ترجمه علی‌اکبری، انتشارات پرهام نقش، تهران.
- شایگان فر، ن. (۱۳۹۷). تجربه هنرمندانه در پدیدارشناسی مرلوپونتی. تهران: انتشارات هرمس.
- شریفیان، م.، طهوری، ن.، اعتصام، ا. و ذبیحی، ح. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی پدیدارشناسی معماری در نظریات یوهانی پالاسما و استیون هال، نشریه کیمیای هنر. شماره (۳۳): ۶۳-۸۰.
- صیاد، ا.، غریب پور، ا . و دلشاد سیاهکلی، م. (۱۳۹۸). فضامندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربه معماری، نمونه موردی: موزه هنرهای تهران، نشریه باغ نظر، ۱۶(۷۵):۷۱-۸۲.
- غفاری سده، ع. (۱۳۷۱). مبانی طراحی فضای متوالی در معماری شهر، نشریه صفه، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- فارسی محمدی‌پور، ع. و طالبی، م. (۲۰۱۵). مطالعه پدیده بازار سنتی سنندج از منظر پدیدارشناسی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم‌انسانی، ۳(۷): ۲۷-۶۱.
- کارمن، ت. (۱۳۹۴). مرلوپونتی، ترجمه مسعود علیا، انتشارات ققنوس، تهران.
- گروتر، ی. (۱۳۸۳). زیباشناسی در معماری ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات شهید بهشتی، تهران.
- گیدئون، ز. (۱۳۹۰). فضا، زمان معماری؛ رشد یک سنت جدید، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- گودرزی، م. و کشاورزی، گ. (۱۳۸۶). بررسی مفهوم زمان و مکان در نگارگری ایرانی، نشریه هنرهای زیبا. (۳۱):۸۹-۱۰۱.
- لفور، ک. (۱۳۹۴)، سیاست تفکر(تاملی در اندیشه مرلوپونتی)، ترجمه مهدی سلیمی، نشر چشمه، تهران.
- ماتلاک، ج. (۱۳۸۸)." آشنایی با طراحی محیط و منظر"سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر، مؤسسه نشر شهر، تهران.
- مرلوپونتی، م. (۱۳۹۸). جهان ادراک، ترجمه جهان جابرالانصار، چاپ چهارم، ققنوس، تهران.
- مصطفوی، ش. (۱۳۹۴). جنبش پدیدارشناسی، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۰(۱۱۲):۱۴.
- معماریان، غ. (۱۳۸۶). سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، تهران.
- نصرت پور، د.، انصاری، م. و پورمند، ح. (۱۳۹۹). تبیین نقش ادراک حسی در میزان خاطره‌انگیزی میدان‌های شهری با بهره‌گیری از اندیشه‌های مرلوپونتی، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۱۲(۴۴): ۴۷-۶۵.
- نظرنژاد، ن. و عسکری، م. (۱۴۰۰). ارتباط سوژه‌های بدنمند در فضای مجازی، در چارچوب پدیدارشناسی مرلوپونتی، دوفصلنامه علمی‌پژوهشی مابعدالطبیعی. ۲(۴): ۱۳۵-۱۶۰.
- هال، ا.، یوهانی، پ. و آلبرتو، پ. (۱۳۹۴). پرسش‌های ادراک؛ پدیدارشناسی معماری، ترجمه علی‌اکبری و محمدامین شریفیان. انتشارات پرهام نقش، تهران.
- هالووی، ا. (۱۳۸۵). روش تحقیق کیفی در پرستاری، ترجمه حیدرعلی آبادی، انتشارات بشری، تهران.
- هیل، ج. (۱۳۹۶). مرلوپونتی برای معماران، ترجمه گلناز صالح کریمی، انتشارات فکر نو، تهران.
- Antony, J., & Preece, D. (2002). Understanding, managing and implementing quality. *Frameworks, techniques and cases. London and New York: Routledge*.
- Fernandez, W. (2003). Using the Glaserian approach in grounded studies of emerging business practices. *Electronic Journal of Business Research Methods*, *2*(2), pp109-120.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

- Hünefeldt, T., & Schlitte, A. (Eds.). (2018). *Situatedness and place: Multidisciplinary perspectives on the spatio-temporal contingency of human life* (Vol. 95). Springer.
- Kim, Y. (2013). *Recovering sensory pleasure through spatial experience*. University of Cincinnati.
- Marshall, G. J. (2008). A guide to Merleau-Ponty's phenomenology of perception. *(No Title)*.
- Martin, P. Y., & Turner, B. A. (1986). Grounded theory and organizational research. *The journal of applied behavioral science*, *22*(2), 141-157.
- Merleau-Ponti, M. (1945). 1962 Phenomenology of Perception (C. Smith, Trans.).
- Merleau-Ponty, M. (1964). *Sense and non-sense*. Northwestern University Press.
- Merleau-Ponty, M. (1968). *The visible and the invisible: Followed by working notes*. Northwestern University Press.
- Morris, D. (1997). *The Sense of Space: An Essay on Spatial Perception and Embodiment in the Spirit of Merleau-Ponty's Phenomenology of Perception* (Ph. D. Thesis). Toronto: The University of Toronto. Department of Philosophy.
- Pallasmaa, J. (2019). Design for sensory reality: From visuality to existential experience. *Architectural Design*, *89*(6), 22-27.
- Porter, T. (2014). *The architect's eye*. Taylor & Francis.
- Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2003). Research methods forbusiness students. *Essex: Prentice Hall: Financial Times*.
- Seamon, D. (2019). Environmental & architectural phenomenology. Cumulative Index (Volumes 1-30, 1990-2019).
- Viljoen, M. (2009). *The body as inhabitant of built space: the contribution of Maurice Merleau-Ponty and Don Ihde*. University of Pretoria (South Africa).
- Yorgancıoğlu, D. (2004). *Steven Holl: A translation of phenomenological philosophy into the realm of architecture* (Master's thesis, Middle east Technical University).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]

Bodily perception of the Iranian bazaar: explanation of architectural components based on Merleau-Ponty's theories

Somayeh Pahlevan, Ph.D. of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture, Sciences and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Hossein Soltanzadeh*, Professor, Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Farah Habib, Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2022/11/24 *Accepted: 2023/3/13*

Extended abstract
Introduction: One of the characteristics of Merleau-Ponty's phenomenology is to pay attention to the place of the body and the role of the body in the process of sensory perception of the world. A photographed image is unreliable evidence of the real quality of the architectural space. Therefore, examining the role of the body, understanding the human position, and his experience of architectural space, provide him with a different perspective on understanding space. In traditional architecture, especially historical bazaars, deep attention has been paid to the presence of man and his perception of the main lines of the bazaar and the surrounding spaces, which, by involving the five senses, has a different understanding of the space compared to the image prepared of that space. The main question of the research is: What are the influential components in bodily perception based on Merleau-Ponty's theories in the Iranian bazaar? The purpose of this research is to investigate the human position and the different types of perception in the presence of humans, emphasizing the theory of Merleau-Ponty's bodily perception. In fact, in this research, by examining Merleau-Ponty's theory and the theories proposed about bodily perception in the architectural space, the influencing factors on the different perceptions of man and the effect of his presence in the architectural space are investigated.
Methodology: The research method is based on the onion model, where each layer is affected by the other layer. The structure of the research is based on the qualitative method of grounded theory. This research is in the form of qualitative research and a descriptive-analytical research method has been used. The method of collecting information is library and field, and the means of collecting information is by recording observations and interviews.
Results: In the results of this research, which was carried out with an emphasis on Merleau-Ponty's theory based on female perception, the components influencing the presence of man and his different vision, such as depth, distance, movement in architectural space, perspective view, atmosphere of space, change of observer's view and parallax have been obtained.
Conclusion: The findings show that these components show up well in the space of the historical market; the attention of the past architects to the role of man in space, and the engagement of his perception by creating a sense of movement, the horizon of vision and movement depth, rhythm and repetition in the walls and exposure, is deeply felt and the role They have a decisive role in understanding the architectural space and human experience in the Iranian bazaar.
Keywords: Bodily perception, position of the human body, Merleau-Ponty's phenomenology, Iranian bazaar.

* Corresponding Author's E-mail: Hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2025-07-25]